



معلولیت روی پرده نقره‌ای

همدان پیام: سینما چه تصویری از معلولیت در اذهان ساخته است؟ این سؤالی است که شاید پاسخ آن را نباید در فضای سالن‌های سینما که پر است از احساسات ناب ایرانی جستجو کرد، بلکه باید از تاثیرات فرهنگی که مدت‌ها بعد از ساختن یک فیلم در جامعه ایجاد می‌شود، به آن دست یافت.

فیلمسازان به عنوان یک قشر فرهنگ‌ساز می‌توانند چراغ راه فرهنگ جامعه باشند و با رویکرد پیشروانه، این مقوله را به سمت مطلوب هدایت کنند. این مسأله که صاحبان دوربین چقدر در پیماژ مؤلفه‌های فکری ارزشمند به جامعه موفق عمل کرده‌اند موضوع سخن ما نیست بلکه می‌خواهیم به بخشی جزئی وارد شده و رویکردی را که نویسندگان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان آثار سینمایی در خصوص نحوه معرفی افراد دارای معلولیت به جامعه اتخاذ کرده‌اند مورد بررسی قرار دهیم.

برای ورود به بحث ابتدا لازم است ۳ رویکرد کلی نسبت به جامعه معلولان در میان اجتماع مورد اشاره قرار گیرد؛ رویکرد اول که تا حدی می‌شود گفت یک رویکرد فطری و طبیعی است، می‌تواند نگاه از روی ترجم و دلسوزی باشد. این رویکرد در بهترین حالت نهایتاً کمک‌های مقطعی را برای معلولان به همراه می‌آورد.

رویکرد دوم، رویکرد بی‌تفاوتی است که ممکن است در برخی افراد جامعه وجود داشته باشد. برای این قبیل افراد اساساً مشکلات دیگران اعم از معلول و غیر معلول موضوعیت ندارد و نگاه دغدغه‌مند نسبت به هم‌عنوان در این رویکرد مشاهده نمی‌شود. معمولاً از نگاه معلولان این رویکرد نسبت به دیدگاه قبلی قابل تحمل‌تر است.

اما رویکرد سوم اگرچه ممکن است در باطن رگه‌هایی از رویکرد اول نیز در آن وجود داشته باشد اما زهر آن را ندارد. این رویکرد عبارت است از نگاهی "مسئولانه و وظیفه‌محور" در قبال آحاد جامعه که معلولان نیز جزئی از آن هستند. در نگاه افراد صاحب این رویکرد، هیچ مرز و دیواری بین افراد معلول و غیر معلول وجود ندارد و اساساً باید به بنی‌آدم کمک کرد تا بتواند زندگی بهتری در کنار سایر افراد جامعه داشته باشد.

بدون شک رویکرد اخیر بهترین نوع نگاهی است که می‌توان به معلولان داشت؛ چون از این رهگذر خود معلول هم تفاوتی میان خود و دیگران نمی‌بیند و بر همین اساس می‌تواند کیفیت زندگی خود را همانند یک انسان سالم تنظیم کند.

از نگاه جامعه‌شناسان هیچ پدیده‌ای در اجتماع جز با ریشه‌های تربیتی و فرهنگی وجود ندارد. لذا زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که برای برخورد با پدیده‌های گوناگون، زمینه‌های فکری، تربیتی و فرهنگی وجود داشته باشد و بر این اساس زندگی جمعی شکل بگیرد.

یکی از ابزارهای فرهنگ‌سازی در هر جامعه‌ای ابزار هنر و به طور خاص سینما است. حال باید ببینیم هنر هفتم به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قبال معلولان کدام‌اک از

رویکردهای ذکر شده را اتخاذ کرده است. اگر ما در حال حاضر صحبت از سینمای بعد از انقلاب می‌کنیم به این دلیل است که اساساً معتقدیم بعد از پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی بر پایه کرامت و تعالی انسانی، توقعات شهروندی طبعاً در تراز این میثاق ملی قرار گرفته و باید با همین معیار مورد پایش و ارزیابی قرار گیرد.

بررسی آثار و نمونه‌هایی که در سینمای پس از انقلاب با محوریت معلولان یا بیان مشکلات این قشر از جامعه مشاهده می‌شود متأسفانه چندان با رویکرد سومی که ذکر شد یعنی "نگاه مسئولانه و وظیفه‌محور" منطبق نیست و فراتر از آن، گاه به رویکرد اول که موجب رنجش جامعه معلولان بوده دامن زده و آن نگاه را به اذهان القا کرده است.

برای برداختن به موضوع و رفع این چالش باید یک کار مبنایی صورت بگیرد، به این مفهوم که اساساً خود صاحبان اثر رویکردشان نسبت به معلولان تغییر کند. یعنی باید ببینیم نویسنده‌ای که قرار است اثر او به یک اثر سینمایی تبدیل شود، چه نگاهی به معلول و مقوله معلولیت دارد. تا زمانی که نگاه صاحبان قلم و اثر اصلاح نشود بدون شک همین روند ادامه پیدا می‌کند و نمی‌توان نسبت به رفع مشکلات معلولان در این حوزه امید بست. قبل از هر چیز باید ضرورت نگاه منطقی به مقوله معلولیت در میان اصحاب هنر احساس شود تا بتوانیم انتظار دیدن آثاری مطلوب را در سینما داشته باشیم. بنابراین ضمن اصلاح نگاه فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان باید این دغدغه و ضرورت در نگاهشان تقویت شود.

با ذکر این مقدمه می‌توان آثار سینمایی بعد از انقلاب که در آنها مؤلفه‌ای از جامعه معلولان حضور دارند را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. یعنی با این سنجه، به تحلیل پیرداریم تا دچار رویکرد افراط و تفریطی نسبت به معلولان در حوزه آثار فرهنگی و هنری نشویم. اولاً فهرستوار برخی آثار سینمایی بعد از انقلاب اسلامی که در حیطه بحث ما می‌گنجد را ذکر می‌کنیم:

از فیلم‌های ابتدایی می‌توان به آثاری نظیر "رابطه"، "گل‌های داوودی"، "پرنده کوچک خوشبختی"، "مسافران مهتاب"، "مادر" و در سال‌های اخیر هم به فیلم‌هایی نظیر "رنگ خدا"، "این‌جا چراغی روشن است"، "چشمان سیاه"، "وقتی همه خواب بودند"، "شهر زیبا"، "طلا و مس"، "انجا بدون من"، "میم مثل مادر"، "بچه‌های ابدی"، "حوض نقاشی" و تعدادی دیگر اشاره کرد.

در اکثریت قریب به اتفاق این آثار معلولیت عنصری صرفاً ترجم‌برانگیز بوده و همان رویکرد مشتمل‌کننده اول را به مخاطب القا کرده‌اند. فقط می‌توان تعدادی اثر انگشت‌شمار نظیر فیلم "بچه‌های ابدی"، "چشمان سیاه"، "میم مثل مادر" و "حوض نقاشی" را نام برد که قدری از رویکرد اول فاصله گرفته و به رویکرد سوم نزدیک‌ترند. در ابتدا به بررسی اجمالی چند فیلم در حوزه معلولان می‌پردازیم تا بتوانیم نتیجه‌گیری بهتری را از اثرات فرهنگی اجتماعی آنها به دست آوریم.

■ **مادر**

فیلم "مادر" ساخته زنده ی‌اد علی حاتمی که در آن نقش

غلامرضا، یک معلول ذهنی به اکبر عبیدی سپرده شده بود، بدون شک یکی از آثار ارزنده تاریخ سینمای ایران است.

اکبر عبیدی در آن سال با بازی در این فیلم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد را از آن خود کرد. کاراکتر غلامرضا که در لحظاتی از فیلم تصویر یک شخصیت ساده و بانمک از آن احساس می‌شد، در میان بازیگرانی چون محمدعلی کشاورز، جمشید هاشم‌پور و امین تارخ به خوبی بررنگ بود. صحنه‌هایی از مهر و محبت مادر (رقیه چهره آزاد که سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را به دست آورد) به فرزند دارای معلولیتش، یا بدرفتاری‌های محمدابراهیم (محمدعلی کشاورز) برادر بزرگ‌تر غلامرضا با او تضادهایی را نشان می‌داد که سعی داشت تصویری واقعی از زندگی یک معلول ارایه دهد. تصویری که بعضاً دلسوزی عاطفی بیننده را برمی‌انگیخت.

■ **رنگ خدا**

"رنگ خدا" چهارمین ساخته بلند مجید مجیدی است که توانسته به خوبی از نابازبگنان، بازی بگیرد. محسن رضانی که در بهمن ۱۳۷۷ در هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با بازی در این فیلم دیپلم افتخار را به دست آورد یک فرد نابینا است که محوریت داستان حول او می‌چرخد. این فیلم توانسته به خوبی مشکلات یک فرد نابینا را در زندگی تصویر کند، در عین حال بیشترین احساس ترجم نسبت به یک فرد معلول را به نمایش می‌گذارد؛ به طوری که به تصویر کشیدن سختی‌ها تا آخرین لحظات فیلم ادامه دارد.

■ **میم مثل مادر**

"میم مثل مادر" فیلمی در ژانر اجتماعی ساخته رسول ملاقلی‌پور در سال ۱۳۸۵ است. این فیلم پنا به تشخیص کمته‌ای از بنیاد سینمایی فارابی به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۰۷ انتخاب شد. پزشکان دلیل معلولیت سعید (علی شادمان) فرزند سپیده (گلشیفته فراهانی) را ناشی از اشتقاق گازهای شیمیایی در زمان جنگ توسط سپیده می‌دانند.

سهیل (پدر سعید) اصرار دارد تا فرزند را به یک آسایشگاه تحویل دهند اما سپیده مخالفت می‌کند و... جدال یک زن با زندگی برای نجات فرزند دارای معلولیتش شروع می‌شود. سکانس‌هایی زیبا از قهرمانی‌های یک مادر فداکار، تصویری از فرزند مولتش می‌سازد تا تماشاچی فکر کند شاید اگر این کودک وجود نداشت، این همه مصیبت هم بر سر مادر نمی‌رفت. به هر حال فیلم تلاش خوبی برای متقاعد کردن مادرانسی که بچه معلول دارند به حمایت از فرزندشان انجام می‌دهد.

■ **طلا و مس**

اما فیلم "طلا و مس" از ساخته‌های همایون اسعدیان است که در بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. محوریت این فیلم بر روی شخصت زن داستان است که بعد از ازدواج مبتلا به بیماری ام اس می‌شود. روحیه لطیف و حساس زنی دلسوز که نگران نادیده گرفته شدنش و همچنین گرفته شدنن وظایف زندگی از خود است، این کاراکتر را به

پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان

پنجشنبه ● ۱۴ آذرماه ۱۳۹۲

ضمیمه شماره ۱۹۵۱همدان پیام ۸ صفحه رایگان ISSN: 2322- 4673

پیام آدینه

پیام آدینه ۲۳۶ سال پنجم تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

به بهانه روز معلولان

اقلیتی که دیده نمی‌شوند



عکس: ایستا

گزارش: مجید انتظاری- ایستا

صبر نقطه اشتراک معلولان

کعبیاس سربشی

همدان‌پیام: ۱۳ آذرماه و فقط یک روز از همه ۳۶۵ روز سال سهم جامعه معلولان از تمامی حقوق شهروندی است. روزی که به همین بهانه غبار فراموشی اندکی کنار می‌رود که چشمان ما در تابش شعاع خورشید حقایق روزمره (و در اصل خصیصه فراموش شده شهر انسان‌های غریب) نیم نگاهی به وضع حال ایشان که بنا بر دست تقدیر به مانند دیگر افراد، توان حرکت و یا دیگر فعالیت‌های طبیعی را ندارند، انداخته و شاید در درک و فهم داشتن امتیاز سلامتی جسم و جان سر به سجده و شکر آفریدگار به خاک ساییم.

شاید در نگاه نخست و اندیشه معبودی افراد ، معلول و یا کم توان مجموعه کسانی هستند که به دلیل شرایط جسمی به نوعی سربار جامعه شمرده می‌شوند، اما در بازخوانی روی دیگر سکه انسانیت، افرادی هستند که خواهی نخواهی قشری از افراد حاضر در جامعه تلقی شده و به مانند همه ما وجودی حقیقی دارد. افرادی که اگر چه به ظاهر فقط یک روز مرکز توجه قرار می‌گیرند اما در تمامی روزها و شیب‌های دیگر در کنار ما بسیار عادی بدون جلب توجه زندگی می‌کنند. و البته مانیز با بی‌تفاوتی کامل از کنار ایشان و همه نیازها، خواسته‌ها و تمایزات زندگی مربوط به این قشر عبور کرده و می‌کنیم. زیرا ما آدمیان به ظاهر انسان عادت داریم فقط هر چیز را به روز خود آن یادآور شده و به نوعی استاد ابن‌الوقت بودن باشیم.

گاه این انسان‌ها چیست که امروز بدین حال روز افتاده‌اند؟ قدر مسلم هیچ…! که گاه برخی از آنها در پاکی و قداست‌گوی سبقت را از همه فرشتگان آسمان ربوده‌اند و تنها عیب کارشان گرفتاری در قفس تنگ و تاریک دنیای خاکی و این قفس استخوانی ناهمواراست بی‌آنکه خود در انتخاب سختی‌های آن نقشی داشته باشند؛ ولیکن اکثریت ما با بی‌مهری‌ها، فراموشی‌ها و نگاه‌های آزاردهنده در سخت‌تر شدن شرایط ایشان نقش به سزایی داریم.

در حقیقت گاهی تحمل انواع نگاه‌های دلسوزانه و ترحم‌مآبنانه ما برای ایشان به مراتب مشکل‌تر از تحمل رنج یک نقص عضو یا کم مشکل گفتاری حرکتی، شنوایی و یا بینایی است.

گاهی فراموش می‌کنیم که همه این افراد علی‌رغم همه نواقص جسمی خود در تمامی روزهای سال روال زندگی معمولی را طی می‌کنند که ما از آن

بی‌خبریم و حتی در برخی موارد بهنا و کیفیت

زندگی به مراتب وسیع‌تر و دارای بار ارزشی به مراتب متعالی‌تری نسبت به برخی از ماست.

گاهی فراموش می‌کنیم و حتی نمی‌خواهیم باور کنیم زندگی روزمره برای همه ما و آنها شرایط یکسانی را در نظر دارد. همه طول زندگی را در یک خط سیر طی می‌کنیم. یکی با ویلچر، یکی با عصا و دیگری با دو تا پای سالم و در حالی که رسیدن به هدف مهم است نه وسیله رفتن، آسمان برای همه ما آبی است چه تکرار دیدن باشد چه آرزوی دیدن و ترانه‌های مادری هیچگاه به گوش نداشتته یک فرد ناشنوا غریبه نیست احساس‌های عاطفی و قلبی حلقه اشتراک ما انسان‌هاست که هیچ وقت به ارزش آن پی نمی‌بریم.

و فقط و فقط فکر می‌کنیم که حتماً آدمی بودن به چشم و زبان و گوش و بینی است و در نتیجه دیگران فقط نقش دیوار سرد هستند و بس… و یا شاید برای برخی فقط یک شماره ملی .

این از خصیصه‌های ما انسان‌های به ظاهر سالم جسم است که تا خود به مصیبتی گرفتار نگردیم قدر عافیت ندانیم و پس به حال دیگری

نبریم درست به مانند سوارهای که حال روز پیاده را ندارد و سیرایی که وضع و روز تشنه را درک نکنند. این همان نان بیاتی است که به وفور در جامعه، شهر کوچه و خیابان نصیب سفره جماعت معلول می‌شود که به یمن کوتا تا فکری، حرکت‌های شعاری و نگاه‌های غیر اصولی آرد و پخته شده جای تأسف است اگر حرکتی هم می‌شود بیشتر ساخت مدرکی برای شعار است نه ساختاری درک شعور.

سال گذشته و در چنین روزی مصاحبه و

گزارشی از معلولان شهرمان به نمایندگی از جامعه کم توانان اما در حقیقت بلند همت داشتیم با عنوان : "من همان کوه صبر و استقامتم که می‌توانم" امسال نیز بنا به رسم هر ساله و تکرار موضوعات مناسبی قصد آن کردیم تا با برخی از این اسوه‌های صبر و پاکی پرستش و پاسخی داشته باشیم و از وضع و حال روزشان جويا شویم از مراکز نگهدار معلولان شهرمان گرفته تا مراکز آموزشی خاص ایشان، و شاید آندسته از افرادی که علی‌رغم یک نقیصه جسمی بسیار عادی تر از هر چیز این روزگار در کنار ما زندگی میکنند و یا آنان که در زمره فراموش‌شدگان جامعه‌اند. چهره‌ها تازه بود اما پاسخ‌ها، خواسته‌ها، افکار تکرار همان‌های بود

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی



که در سال گذشته شنیدیم و گفتیم… ادامه ان‌رجار و نفرت و خستگی از نگاه‌های ترحم‌انگیز تا وعده‌های عمل نشده در ادارات و نهاده‌ا از تبعیض در استخدام و عقد قرار داد و… تا بی‌توجهی از سوی کارفرمایان و صاحبان مشاغل و جَرف از جدی گرفته نشدن در منظومه و چرخه جامعه تا وضع و حال خیابان و کوچه پس کوچه‌های شهر، از نبود امکانات خاص معلولان تا تصاحب همان خورده ریزهای اعطایی به جامعه معلولان از محل پارک خودرو گرفته تا آسانسور و… از سوی عده‌ای و شاید این همه فقط گوشه‌های بود از تجلی و تبلور معکوس شعر معروف: بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند

از ۱۳ اذر سال پیش تا امروز یکسال گذشت درست به مانند سال‌های پیش با روزهای تکراری آدم‌های تکراری. قوانین تکراری و پرونده‌های تکراری که به تعداد عدد ایام بر آنها فقط اوراق اضافه شده و بطور شدند درست به ماند پوست آدم‌ها، پایگانی شن در کمدها درست به مانند آدم‌هایی که در گوشه اتاق‌ها پایگانی هستند. و اگر شفاف‌تر بنگریم و گوش تیز کنیم نوای هم هست که می‌گوید:

ای وای بر اسیر ویلچر و عصا و عینکی کز یاد رفته باشد. جامعه فته باشد درک و حقیقت مُرده باشد و البته همیشه نیز داستان‌ها و روایات اینگونه نیست. برخی از این‌جماعت به ظاهر فراموش شده و غیر محسوب در زندگی روایت دیگری نیز دارند که بسیار شنیدنی و دیدنی است که اگر ما انسان‌های به ظاهر سالم، چشم و گوش دل داشته باشیم خواهیم دید ورنه مانیز مثل ایشان به نوعی معلولیم و حتی محروم‌تر و مغفول‌تر.

اگر روزی سراقتان به مراکز آموزش کم‌توانان جسمی و روحی افتاد و یا روزی از سر کنج‌کاوی به عملکرد کم توانان اما در حقیقت بلند همت داشتیم با عنوان : "من همان کوه صبر و استقامتم که می‌توانم" امسال نیز بنا به رسم هر ساله و تکرار موضوعات مناسبی قصد آن کردیم تا با برخی از این اسوه‌های صبر و پاکی پرستش و پاسخی داشته باشیم و از وضع و حال روزشان جويا شویم از مراکز نگهدار معلولان شهرمان گرفته تا مراکز آموزشی خاص ایشان، و شاید آندسته از افرادی که علی‌رغم فردانی نقیصه جسمی بسیار عادی تر از هر چیز این روزگار در کنار ما زندگی میکنند و یا آنان که در زمره فراموش‌شدگان جامعه‌اند. چهره‌ها تازه بود به اهتر از دُرآوردماند و یا.. در مقایسه با صدها انسان

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی



همدان‌پیام: هزینه‌های بالای درمان و توانبخشی، کمبودها، مناسب‌سازی فضای شهری، مناسب‌سازی فضای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، دانشگاه‌ها و مشکلات این چنینی همواره به عنوان مهمترین دغدغه‌های معلولان کشور و استان مطرح می‌شود.

هر چند قصه مشکلات معلولان تکراری است، اما بیان چند باره‌اش نه تنها از اهمیتش نمی‌کاهد، بلکه قصه آنها را پرغصه‌تر می‌کند؛ چرا که تفره امیدی از هیچ نهادی برای حل مصائب آنها به گوش نمی‌رسد.

به گزارش همدان‌پیام، بر خلاف اینکه روز ۱۲ آذرماه در تقویم ایران به نام روز جهانی معلولان به ثبت رسیده است، اما شاید آنچنان که باید به این جامعه نگاه نشده است. شعار امسال هفته معلولین ” موانع را بشکنیم و درها را باز کنیم“ عنوان شده است. شعاری که مبتنی بر برطرف‌کردن موانع برای حرکت معلولان است. شعاری که تحقق عملی آن دنیای دیگری را برای آنان به تصویر می‌کشد.

مگر می‌شود از یاد برد که سال گذشته در روز معلولان،

رئیس سازمان بهزیستی این نهاد پس از هشت سال از تصویب و ابلاغ «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان»، دلایل اجرا نشدنش را ایرادات قانون خواند و خبر داد که بازنگری اساسی کرد؛ زیرا باید قبول کرد و باور داشت که انسان‌های بزرگ، با همت بلند به جای رسیده‌اند نه با ضحامت بدن.

و اما در وصف حال روز خود چه بگوییم که گفتن بهتر است زیرا گذشته از معبود و محدود عملکردهای نصفه و نیمه در طول سال در خصوص این قشر معلولان، حاشیه‌نشین بیشتر عادت کرده‌ایم ندانستن‌هم که کاری‌ها اعمال و تساهل‌ها را در پشت بهانه‌های نه‌چندان معقول پنهان کنیم و هر از چند گاهی نیز در مقام رفع تکلیف تا زمان تحقق کامل مفاد این قوانین فاصله کشور ما فرسنگ‌هاست.

در این فقره نیز دیگر حامیان رنگی ندارد و آن جماعت با توجه به اینکه طبق آمارها جمعیت معلولان در هر کشور به‌طور میانگین حدود ۱۰درصد کل جمعیت را شامل می‌شود این آمار در ایران باید بیش از هفت و نیم میلیون نفر باشد که دارای انواع معلولیت هستند که رقم قابل توجهی است و اگر زمینه برای حضور فعال معلولان در جامعه فراهم شود می‌توانند در چرخه توسعه کشور نقش بسزایی داشته باشند.

■ اجرا نشدن قانون عمده‌ترین مشکل معلولان

رئیس هیأت مدیره جامعه معلولان همدان، عمده‌ترین مشکل معلولان را اجرا نشدن قانون می‌داند و می‌گوید: قانون ۱۶ ماده‌ای حمایت از معلولان در کشور وضع شده اما

متأسفانه هیچ یک از بندهای آن اجرا نشده است. محمدعلی افشاری هفته جاری در نشستی که با خبرنگاران رسانه های همدان داشت از وضعیت معلولان همدان سخن گفت.

به اعتقاد وی معلولان قشری هستند که با وجود حضورشان در اجتماع، دیده نشده و به مشکلات آن‌ها رسیدگی نمی‌شود. هرچند بعد از انقلاب اسلامی خدماتی در راستای حمایت از معلولان وضع شد، اما مشکلات اصلی همچنان با برجاست و نیاز به حمایت معلولان امر دارد.

■ مشکل تردد، سدی برای حضور

نامناسب بودن معابر، افزایش مشکلات جامعه معلولان با هدفند شدن یارانه‌ها، انتقاد جلساتی که برای رسیدگی به حقوق معلولان برگزار میشود و وعده‌های واهی در این خواهرات شد از وعده‌های عمل نکرده بگوییم، از قوانین و مقررات کلی خورده در میان پایگانی پرونده‌ها، از کسالت بگوییم که شاگردان اول کلاس صبر استقامت امید و تلاش‌اند و در عین حال توانستند استاد بی‌نظیر زندگی معلو از امید آرزو برای ما باشند. این فضل را دوباره بخوانیم… بسیار عاشقانه و منصفانه است.

اندر مصائب معلولان

از وعده یکسال پیش خبری نشد



در همین زمینه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفتگویی با مهر با اشاره به اینکه سالانه ۴۰ هزار نفر به جمعیت معلولان کشور افزوده می‌شود، گفت: باید معلولیت به بخشی از دغدغه ساسیون تبدیل شود و بدون عزم جدی سیاسی تلاش‌ها ثمر چندانی نخواهد داشت.

علی ربیعی افزود: در حال حاضر بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت جهان با معلولیت زندگی می‌کنند و ۲۰۰ میلیون نفر دارای معلولیت‌های مختلف همچون سننردم داون و اوتیسم هستند.

اِیهری ضمن ابراز تاسف از کم بودن معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی گفت: تنها یک میلیون و ۲۰۰ هزار معلول تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند و با توجه به مصوبات قانونی دولت باید سه درصد از نیروی کار سازمان‌ها از میان معلولان باشد که این اتفاق علیرغم استعدادهای فوق‌العاده افراد معلول تحقق نیافته است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که مناسب سازی شرایط برای معلولان تنها به پارک‌ها در سطح شهر ختم نمی‌شود، بلکه باید ایستگاه‌های اتوبوس، اماکن تفریحی و رفاهی، تلفن‌های عمومی و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی معلول می‌شوند، گفت: بر

اساس آمار انجمن دفاع از حقوق معلولان، ماهانه ۳۳۰۰ نفر در کشور معلول می‌شوند که این رقم نشان دهنده معلولیت روزانه ۱۱۰ نفر در کشور است.

مجید اِیهری با اشاره به اینکه این معلولیت‌ها ناشی از عوامل مختلف از جمله زایمان، تصادفات جاده‌ای و بیماری‌های مختلف است، اظهار کرد: هم اکنون بیش از سه میلیون نفر معلول در کشور وجود دارد در حالی که نهادهای مختلف در این زمینه آمار متفاوتی ارائه می‌کنند.

در مورد تعداد معلولان آمار های متفاوتی از سوی مسئولان ارائه می‌شود که این پژوهشگر در این باره می‌گوید: در حال حاضر سه آمار متفاوت سه میلیون نفر، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر و ۹۰۰ هزار نفر معلول در کشور بر اساس آمار انجمن دفاع از حقوق معلولان، سازمان بهزیستی و سازمان آمار وجود دارد، اظهار کرد: آمار کسب

